

جمال شورشجه (فیلمساز)

عبدالله صمدی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریاربحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میربایقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حامی کیا (فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

می توان سبک زندگی را در سه

سطح ارتباط بشر با جهان پیرامون

خود خلاصه کرد: رابطه با خود،

رابطه با خدا و رابطه با دیگران و

طبیعت. و این تقسیم بندی در این

نوشتر و سیله‌های است برای مقایسه

ایران به مسائل کنش‌رسان آمریکا

**یک نمونه از استراتژی‌های**

**نظام آمریکا برای رابطه**

**انسان با خود**

متنکی در آمریکا به وجود آمده،

جوانان آمریکایی میل و رغبتی برای

ادواج دائم از خود نشان نمی‌دهند،

روابط دوستی بین دخترها و پسرها

زیاد شده و به همین نسبت تعداد

فرزندان نامشروع افزایش یافته‌است.

از سوی دیگر روند رشد جمعیت

در آمریکا رو به افول گذاشته و

لزوم است برای صعودی کردن

این مسیر نزولی چاره‌ای اندیشه

شود. چاره‌های فراوانی اندیشیده

می‌شود، یکی از آن چاره‌ها می‌شود

این: «تقدس بخشیدن به فرزندان

حرمازاده» و «دادن جایگاهی ویژه

به مادران مجرد». حال صحنه گردان

این چاره اندیشی فرهنگی آمریکا

ساخته می‌شود که در آنها نه

تنها حرمازادگان مشروعیت پیدا

می‌کنند، بلکه تبدیل می‌شوند به



متنجان عالم بشریت و مادران این

فرزندان نامشروع تبدیل می‌شوند به

کمپنهانان مقدس این فرزندان منجی

در فیلم «جبرد خدایان» ساخته سال

۲۰۱۰، فردی که قرار است دنیا

را از شر خدایان نجات دهد، یک

«حرمازاده نیمه بشر- نیمه خدا»

است. در فیلم سینمایی «فرزند

بشریت» ساخته سال ۲۰۰۶، ۱۸

سال است که بشر صاحب فرزند

نشده و نسل بشر، رو به نابودی است؛

به نگاهی زان بی‌سواد پیوسته فرزند

را حاصله می‌شود و جنگی راه می‌افتد

برای تصاحب این فرزند. اما نکته‌ای

که در فیلم به سادگی از کنار آن

گذشته می‌شود این است که یک

فرزند بشریت یک مشکل کوچک

دارد، آن هم اینکه مادرش زنی فاسد

است و پدرش نامشخص! در فیلم

«لژیون» میکائیل آژ اسمان به زمین

می‌آید تا از بشر در مقابل خداوند و

جبرئیل دفاع کند! خداوندی که از

نسل آدم خسته شده و به جبرئیل

دستور داده تا منجی بشریت را به

قتل برساند تا نسل انسان به سرانجام

مسیر خود برسد. منجی بشریت،

فرزندی جرم‌خیز است که میکائیل

خود را مامور حفاظت از مادر حامله

این فرزند می‌داند! در سریال معروف

«گمشدگان» (Lost) منجی، یک

حرام زاده است!

و مثال‌های فوق، نمونه‌های

اندکی هستند از جریان فرهنگساز

سینمایی آمریکا که تمام قد، بار

استراتژیک‌ترین تصمیم‌گیری‌های

فرهنگی سیاستگذاران فرهنگی

آمریکا را به دوش می‌کشد.

**یک نمونه از استراتژی‌های**

**نظام آمریکا برای رابطه**

**انسان با خدا**

آمریکا کسال سالهاست که تلاش

می‌کند جهان‌بینی شیطان محور

خود را به مخاطبین کشور خود

و مخاطبین جهانی حفته کند.

در این بین اصلی‌ترین استراتژی

آمریکا، عادی‌سازی شیطان در نگاه

مخاطبان است. مجددا هالیوود

نخستین مجموعه‌ای است که به

خدمت این استراتژی راهبردی

آمریکا می‌آید. در همین راستا

از مدت‌ها پیش فیلم‌های فراوانی

در هالیوود ساخته شده است که

وظیفه نشان عادی‌سازی شیطان

در نگاه مخاطب است. قهرمانان

این نوع فیلم‌ها با شیطان هستند،

یا رابطه‌ای حسنه با شیطان دارند و

یا موجودی شیطانی هستند که با

ظاهری یلید مشغول نجات بشریت

است و مخاطب از همه جا بی‌خبر،

در طول تمام این فیلم‌ها مشغول

همذات‌پنداری با شیطان است.

نخستین ژانر آسنمایی هالیوود

که به خدمت این نیاز استراتژی

شیطانی هستند و اقلیا رفتاری بسیار

عادی با آنها دارد. در واقع فیلم در

ژست و ظاهری کودکانه فضایی

شیطانی را برای مخاطب ترسیم

می‌کند و ظاهر و خوی شیطانی را

برای مخاطب جا می‌اندازد.

در مجموعه فیلم‌های بتمن

که با عنوان «شوالیه تاریکی» و

۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ روانه

بازار شدند، مخاطب در تمام طول

فیلم با یک موجود سیاه پوش

همذات‌پنداری می‌کند که نمادش

«فخاش» است و شبها را برای

عملیات‌های خود انتخاب می‌کند و

خانه‌ای در زیر زمین دارد. بگویم

که سالها با داستانهایی بتمن خو

گرفته است، خود را آماده کرده

و موجودی از جنس سیاهی و

تاریکی به عنوان منجی برای نجات

وضع بشر ظهور کند. در فیلم

«بدنهای گرم» ساخته ۲۰۱۳

مخاطب آموزش همذات‌پنداری

با یک زامبی را می‌بیند و در فیلم

«راگولای گفته نشده» ساخته

سال ۲۰۱۴ مخاطب به همراه

قهرمان فیلم «لر وولد دراکولا» و با

یاری موجودات شیطانی به مصاف

همچون «دراکولا» خون‌آشام، زامبی،

گرگینه و… می‌پردازند در حال

ارابه تصویری تکراری از موجودات

شیطانی برای مخاطب هستند. اما

آنچه این جریان عادی‌ساز را بسیار

پیچیده‌تر کرده‌است، ظهور ژانرهای

متناقض نمایی همچون «کمدی-

ترسناک»، «خانوادگی-ترسناک»

و یا «انیمیشن-ترسناک» است

که همذات‌پنداری با شیطان را

در پوسته‌ای طنز یا کودکانه و یا

خانوادگی به خورد مخاطب می‌دهد

و مخاطب بدون اطلاع از محتوای

این فرم کادوپیچی شده، محتوای

آن را دریافت می‌کند.

در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ در

هالیوود مجموعه فیلم‌هایی ساخته

می‌شود با نام «سپرجهنمی». در

این فیلم‌ها دنیا دچار آسیبی عظیم

نشده و ضد قهرمانی شیطانی به

دنیا نابودی ندیاست. اینجاست که

موجودی شیطانی و دوست داشتنی

به نام «سپرجهنمی» که یک غول

باززه و خرمخیز است! در جایگاه

منجی دنیا قرار می‌گیرد و مخاطب

لعب جذاب فیلم، کاملا موجوداتی

فیلم، ارزی نجات دنیا توسط

پسری جهنمی را در سر می‌پروراند.

«گیلبرد دل توره» کارگردان این دو

فیلم است که تمام کارهایش رنگ

و بوی شیطانی دارد، وی در سال

۲۰۰۶ نیز فیلم مهمی می‌سازد به

نام «هزارتوی فان». این فیلم ظاهری

فانتزی و کودکانه دارد و داستان

دختری اسپانیایی به نام «آفلیا» را

روایت می‌کند که در برهه جنگ

جهانی دوم، به همراه مادرش گیر

فرماندهی سنگدل و ترسناک به نام

«کاپیتان ویدال» افتاده‌اند و در این

بین مقدر می‌شود که آفلیا به عنوان

شاهزاده، منجی کی دنیای افسانه‌ای

شود. جالب اینجاست که تمامی

موجودات این دنیای افسانه‌ای،

### مقایسه مواج‌ه سینمای آمریکا و سینمای ایران با سه مسئله استراتژیک



## فاصله هالیوود تا یک سینمای بی‌سود!

### ■ محمدصادق باطنی

«ولپلیام جیمز» را به تصویر می‌کشد

که رکورددار خشتی کردن بمب در

جنگ عراق است. جیمز که تمام

ویژگی‌های یک قهرمان جنگی

را دارد، از قضا بسیار هم دلش

برای عراقی‌ها می‌سوزد و جدای

از نجات سربازان آمریکایی از هیچ

تلاشی هم برای نجات کودکان

عراقی از (شر- به زعم فیلم) اسلام

و تروریسم فروگذار نمی‌کند! این

فیلم استراتژیک که توسط خانم

«کترین بیگلو» ساخته شده، در

سال ۲۰۱۰ به طرز عجیب وارد

جریان جشنواره‌های سینمایی

آمریکا شده و حتی در مراسم اسکار،

شش جایزه از جمله جایزه بهترین

فیلم و بهترین کارگردانی را از آن

خود می‌کند. اما همین خانم بیگلو

در سال ۲۰۱۲ و در اثنای ماجرای

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

که قرار بود به انتخاب مجدد اوباما

بینجامد، می‌شود به عنوان یک کارگردان

دموکرات یک خوست خدمتی دیگر

به رئیس جمهور محبوبش می‌کند و

استراتژی

**یک نمونه از استراتژی‌های**

**نظام آمریکا برای رابطه**

**انسان با دیگران**

وقتی از سال ۲۰۰۱ ماجرای

جنگ‌های آمریکا در خاورمیانه

مطرح شد، یک نیاز استراتژیک

خود را نمایان کرد. آن هم اینکه،

جوانان آمریکایی که تا دیروز مشغول

به

\*

**وقتی از سال ۲۰۰۱ ماجرای جنگ‌های آمریکا در**

**خاورمیانه مطرح شد، یک نیاز استراتژیک خود را**

**نمایان کرد. آن هم اینکه، جوانان آمریکایی چگونه**

**به یک آن، تبدیل میشوند به سربازان آماده رزم در**

**خیابانهای کابل و بغداد. اینجا بود که دوباره سینمای**

**استراتژیک هالیوود با به عرصه حل مشکلات**

**استراتژیک آمریکا گذاشت.**

خوش گذرانی و لابلای‌گری در

خیابانهای نگراس و لاس وگاس

بودند، چگونه به یک آن، تبدیل

بشوند به سربازان آماده رزم در

خیابانهای کابل و بغداد. اینجا بود

که دوباره سینمای استراتژیک

هالیوود با به عرصه حل مشکلات

استراتژیک آمریکا گذاشت. این امر

با یک استراتژی در سینمای آمریکا

دنبال شد و با یک استراتژی دیگر

در تلویزیون آن

سینمای آمریکا شروع کرد به

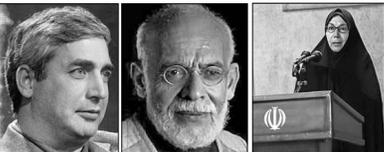
ساخت قهرمانان پوشالی از دل

جنگ‌های روز آمریکا، در سال

۲۰۰۸ فیلمی ساخته شد به نام

«ملهکه» فیلمی که داستان به

کارشاس خشتی‌کننده بمب به نام



داود میربایقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حامی کیا (فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

**نگاهی به فیلم «شیار ۱۴۳»**

**به بهانه پخش از سیما**

## دلنگی‌های

## یک مادر

### ■ حسام آبنوس

دفاع مقدس، صحنه‌های ملو از رشادت، از

خودگذشتگی و ایثار از سوی آحاد ملت شریف ایران

است. این نقاشی بزرگ و شکوهمند که در شکل‌گیری

آن مردان و زنان بسیاری دست داشته‌اند محملی برای